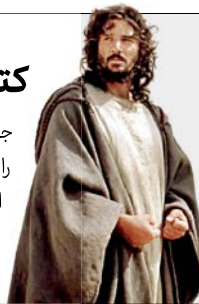




کتاب آفرینش

جان هیوستون در سال ۱۹۶۶ فیلمی به نام «کتاب آفرینش» یا «کتاب مقدس» ساخت که عنوان پرفروش‌ترین فیلم آن سال آمریکا را هم به دست آورد. قصه این فیلم پرستاره، از آغاز آفرینش شروع می‌شد و در روایتی جذاب، سرگرم‌کننده و عامه‌پسند، زندگی و احالات و ماجراهای چند پیامبر همچون آدم (مایکل پارکس)، نوح (جان هیوستون که به جز این نقش، راوی فیلم و صدای خدای قصه هم بود)، ابراهیم (جورج سی اسکات)، اسماعیل (لوچیانو کانورسی)، لوط (کابریله فرزتی) و... ردیف شده‌اند.

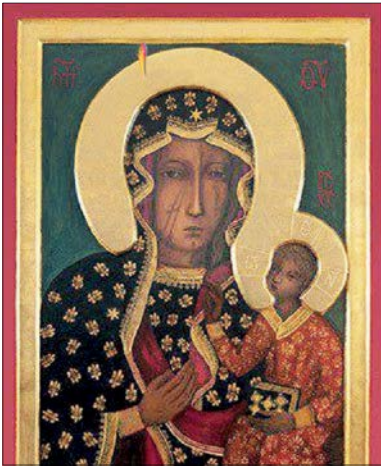


پادشاه داوود

می‌گویند حضرت داوود، خوش‌صداترین پیامبر الهی بود اما بروس بروسفورد، کارگردان استرالیایی با ساخت فیلم «پادشاه داوود» در سال ۱۹۸۵، خوش‌تیپی و خوش‌چهرگی را هم به این پیامبر اضافه کرد. ریچارد گیر، بازیگری که بعدها در فیلم‌هایی مثل بی‌وفا و شیکاگو بازی کرد، ایفاگر نقش داوود بود. داستان این فیلم، از برخی کتاب‌های مقدس عبری همچون مزامیر گرفته شده است.

مسیح با موهای بلوند!

هنرهای تجسمی نیز مانند سینما در ترسیم زیبایی ظاهری عیسی مسیح^(ع) اغراق‌ها کرده است



اینجا دیگر بحث بر سر زیبایی و اغراق و طبیعت نیست؛ حضرت مریم و عیسی در این نقاشی که هنرمندش ناشناس است، سیاه‌پوست هستند.



«اینک انسان» هیرونیموس بوش، یکی از معروف‌ترین «اینک انسان»‌های جهان نقاشی بوده و از اغراق‌های مرسوم در ترسیم زیبایی تهی است.



شاید بگویید در ترسیم زیبایی این مسیح نیز اغراق شده است اما کارلو کریولی در این اثر که «دعای خیر مسیح» نام دارد و در سال ۱۴۷۲ میلادی خلق شده، از معدود نقاش‌هایی است که مسیح را کهنسال ترسیم کرده است.



سالواتور موندی، دستیار داوینچی بود و او هم در ترسیم شمایل مسیح، از کهن‌الگوهای اغراق‌شده در زیبایی بهره می‌برد. این نقاشی را او به همراه آندره‌آ پروتالی خلق کرده است.



این شاید معروف‌ترین نقاشی از پرتره عیسی مسیح بوده باشد. البته باز هم سالواتور موندی دستیار داوینچی بوده است و مسیح‌های نیز شبیه مسیح‌های خودش است.



رافائل که شاید مطرح‌ترین نقاش دوره رنسانس باشد، بارها مسیح را به تصویر کشیده است. مسیح او زیباست؛ مردی لطیف‌رو، بور، بسیار سفید و بسیار ظریف.



صابر محمدی
ادبیات و هنر

خب دیدیم که ترسیم سیمای مسیح در سینمای جهان بسیار تحت‌تاثیر اغراق‌های هالیوودی است؛ سنتی از فیلمسازی که شمایل و تمثال‌های قهرمانانش را با نوعی از زیبایی فرازمینی و کارت‌پستالی به تصویر می‌کشد که کاملاً بی‌عیب و نقص و دست‌نیافتنی باشد. در این میان هر قدر که دست هالیوود در رویاپردازی نسبت به قهرمان‌هایش بازتر بوده، مثلاً اگر تصویری عمومی نسبت به چهره یک قهرمان وجود نداشته، این سنت سینمایی تا جایی که توانسته توسن خیال را تازانده و در ترسیم زیبایی اغراق کرده است.

حضرت عیسی مسیح (ع) یکی از بهترین مصادیق در توضیح این سنت اغراق است؛ در گزارش علی‌رستگار دیدیم این سنت چه کارها که با مسیح نکرده است و خواندیم که طبعاً سینما برای تجسم صورت مسیح به نقاشی‌ها، مجسمه‌ها و دیگر هنرهای تجسمی که او را تصویر کرده‌اند، نظر افکنده است. با این حال به نظر می‌رسد در هنرهای تجسمی که مثل سینما در ترسیم زیبایی مسیح بارها اغراق کرده بیش از سینما با تصویری واقعی و زمینی مواجه هستیم. نقاش‌ها و شمایل‌نگارها، گاه عیسی مسیح را از آن چهره بی‌نقص دور کرده و او را شبیه مردمان عصر خود نقش کرده‌اند. چند نمونه از هر دو دسته را با هم مرور کنیم.

ساخت چهره واقعی حضرت عیسی توسط هوش مصنوعی

آخرین وسوسه مسیح (مارتین اسکورسیزی/ ۱۹۸۸)

یکی از جنجالی‌ترین فیلم‌های مرتبط با عیسی مسیح (ع) است. اسکورسیزی براساس فیلمنامه پل شریدر و برمنای رمانی نوشته نیکوس کازانتزاکیس، سراغ روایتی زمینی از حضرت عیسی (ع) می‌رود و به جای این‌که او را شخصیتی مقدس و پیامبری معصوم و آسمانی ترسیم کند، مسیح را فردی عادی و گرفتار نفس اماره نشان می‌دهد. ممنوعیت اکران فیلم در چند کشور، برخورداری تند انجمن‌های مسیحی و بمبگذاری یک گروه کاتولیک در یکی از سینماهای نمایش‌دهنده فیلم در پاریس، بعضی از حواشی مربوط به فیلم آخرین وسوسه مسیح بود.

نکته قابل اشاره دیگر، انتخاب بازیگر نقش مسیح است؛ باوجود این‌که برخی نشانه‌های کلیشه‌ای این شخصیت همچون مو و ریش طلایی و چشمان رنگی لحاظ شده، اما از چهره و بازیگری انتخاب شده که چندان معصومانه نباشد و نشانه‌هایی از بازیگوشی و شیطنت‌های زمینی در آن نمایان باشد. ویلم دافو که چهره‌اش همخوانی درستی با این خوانش دارد، بعدها بیشتر در نقش‌های منفی و شیطانی ظاهر شد. احتمالاً لارس فون تریر هم باتوجه به عقیده حضور دافو در آخرین

وسوسه مسیح، بازی در نقش اول مرد فیلمی به نام ضد مسیح را به او پیشنهاد داد.

مصائب مسیح (مل گیپسن/ ۲۰۰۴)

این فیلم هم همچون آخرین وسوسه مسیح، حاشیه‌ها و جنجال‌های زیادی به همراه داشت. یکی از مهم‌ترین آنها اعتراضات گسترده گروه‌های یهودی به فیلم بود و حتی کار به شکایت از سازندگان فیلم هم رسید. دلیل این واکنش‌ها هم این بود که گیپسن در روایت سینمایی‌اش، یهودیان را در تصلیب مسیح مسؤول و مقصر می‌داند. فیلم که به ۲۴ ساعت پایانی زندگی مسیح و دستگیری و شکنجه و به صلیب کشیدن او می‌پردازد، صحنه‌های تلخ و آزاردهنده کم ندارد و برخی اعتراضات به فیلم هم به این نمایش عیان خشونت برمی‌گشت. نکته قابل اشاره دیگر، روایت فیلم با زبان‌های آرامی، عبری و لاتین و بازیرویس انگلیسی است که به لحاظ فضا و کلام، فیلم را به زمان وقوع رخدادهای قصه نزدیک می‌کند.

این تمایزها و ویژگی‌ها البته چندان به انتخاب بازیگر و چهره متفاوت برای نقش مسیح، تسری پیدا نکرد و همان نشانه‌های قامت رشید و خوش‌چهرگی و



مصائب مسیح



آخرین وسوسه مسیح

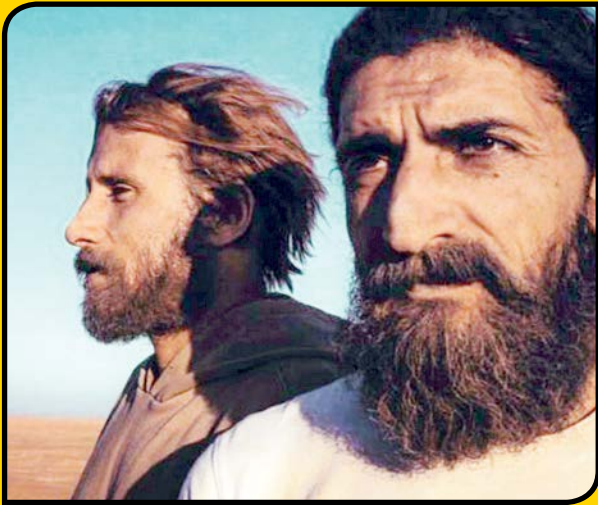
داشت، می‌توانست این نقش را با مختصات مسیح موردپسند هالیوود بازی کند.

آخرین سیاره (ترنس مالیک/ ۲۰۱۹)

ترنس مالیک دو سه سالی است مشغول ساخت این فیلم است؛ اثری که به بخش‌های مختلف زندگی مسیح با بهره‌گیری از برخی قصه‌های انجیلی می‌پردازد.

انتشار چند عکس از فیلم، نشان داد دست‌کم در بحث چهره، با یک مسیح تقریباً متفاوت روبه‌رو هستیم و صورت و گرم بازیگر، تا حدودی به منطق و واقعیت‌های تاریخی و همین شبیه‌سازی اخیر هوش مصنوعی، نزدیک شده است. چهره بازیگر انتخاب شده، نشانی از زیبایی ندارد و حتی انگار بیینی او هم برای گریز از جذابیت، دفرمه و دگرگون شده است. نقش مسیح را گزا روریک، بازیگر مجارستانی بازی می‌کند که پیشتر بازی‌اش را در فیلم پسر شائول دیده بودیم.

در ضمن این همان فیلمی است که گفته می‌شود لایلا حاتمی، نقش مریم مجدلیه را در آن بازی کرده، خبری که هنوز به‌طور رسمی تایید نشده است.



آخرین سیاره



بشارت منجی

چشمان رنگی رعایت شد.

نقش مسیح را در مصائب مسیح، جیمز کابریل بازی کرد؛ او چهار سال بعد، یعنی سال ۲۰۰۸ و با بازی در فیلم ضعیف «سنگسار تریام» باعث تعجب شد. می‌گویند موقع فیلمبرداری مصائب مسیح، انواع و اقسام بلاها برایش اتفاق افتاد، از اصابت رعد و برق تا در رفتن شانه و ابتلا به ذات‌الریه!

بشارت منجی (نادر طالب‌زاده/ ۱۳۸۳)

جالب است نادر طالب‌زاده که فیلم موردعلاقه و مسیح محورش در سینما «انجیل به روایت منی» بود و آن را در کلاس‌های تحلیل فیلم باغ فردوس برای شاگردانش نمایش و توضیح می‌داد، خود در فیلم بشارت منجی (و سریال مسیح)، دست‌کم در زمینه چهره، سراغ همان شمایل کلیشه‌ای و تیپیکال از مسیح رفت و احمد سلیمان نیا (با صدایپیشگی منوچهر زنده‌دل)، گیسوان بلند و محاسنی طلایی داشت. شاید تنها وجه تمایز چهره مسیح ایرانی طالب‌زاده با مسیح‌های غربی و هالیوودی، چشم‌ها و ابروهای سیاه باشد.

تصور خود طالب زاده در شکل و شمایل آشنای مسیح هم دور از ذهن نبود و شاید اگر زمان ساخت بشارت منجی، جوان‌تر بود و میل به بازی



بشارت منجی

سلیمان نبی^(ع)

سال ۸۷ هم شهریار یحزانی دست به کار شد و برای حضرت سلیمان فیلمی ساخت؛ «ملک سلیمان» عنوان این فیلم دنباله‌دار سینمایی بود که اولین بخش از سه‌گانه آن روی پرده سینماهای ایران رفته است. این فیلم روایت مقطعی از زندگی سلیمان است و در آن از فناوری‌های پیشرفته سی‌جی‌ای و دی‌ای استفاده شده است. امین زندگانی بازیگر نقش حضرت سلیمان بود؛ گرم و اغراق‌شده نبود اما به هر حال به عنوان بازیگری خوش‌سیمایاز هم سینمای ایران به الگوی زیارویی پیامبران تن داد.



عیسی مسیح^(ع)

در همین سال نادر طالب‌زاده نیز دست به کار شد تا برای عیسی مسیح فیلمی بسازد. نام فیلم «بشارت منجی» بود که فیلمنامه‌اش را هم خود طالب زاده نوشته بود و البته بعدها نسخه تلویزیونی آن نیز در قالب سریال پخش شد. بازیگر نقش حضرت عیسی در این فیلم شناخته شده نبود اما در گرم و بسیار اغراق شده بود. موها و محاسن طلایی فرشته برای این نقش، مشابه‌گریمی بود که هالیوودی‌ها از آن استفاده می‌کنند.



یوسف و یعقوب^(ع)

مثل امین زندگانی که به عنوان بازیگری خوش‌سیمای نقش حضرت سلیمان ظاهر شده بود، این بار خوش‌سیمای دیگری در نقش یوسف (ع) ظاهر شد؛ مصطفی زمانی را می‌گوییم در سریال «یوسف پیامبر». مجموعه‌ای تلویزیونی پیرامون داستان زندگی یوسف (ع) به کارگردانی فرج... سلحشور که سال ۱۳۸۷ پخش شد. نقش یعقوب (ع) را نیز محمود پاک‌نیت بازی می‌کرد.